گام سوم
خودزنی

قرار بود پس از بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ در تهران، نخستین دوره جام جهانی در قاره آسیا سال ۱۹۹۰ در ایران برگزار شود اما درست در همان روزهایی که درخواست ایران برای میزبانی باید در فیفا مورد بحث قرار می‌گرفت انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پرونده بایگانی شد.

اما تقدیر چنین بود که یازده سال پس از آخرین حضور ایران در مسابقات مقدماتی جام جهانی، دوباره برای همین دوره و آن هم نخستین بار پس از انقلاب ثبت‌نام کنیم.

۲۸ تیم آسیایی برای حضور در جام جهانی ثبت‌نام کرده و به ۷ زیرگروه تقسیم شدند. برای اولین بار تقسیم‌بندی شرق و غرب از بین رفت و همه کشورها با شانس مساوی در قرعه‌کشی شرکت داده شدند. قرار بود هفت تیم نخست این هفت گروه در مرحله دوم به صورت مجتمع در یک کشور بی‌طرف به صورت دوره‌ای مسابقه بدهند تا ۲ تیم برتر نمایندگان آسیا در جام جهانی ایتالیا باشند.

در فاصله جام جهانی ۷۸ تا این روز تعداد تیم‌های دور نهایی از ۱۶ به ۲۴ افزایش و سهمیه آسیا -منهای اقیانوسیه- به ۲ رسیده بود. در این ۲ دوره غیبت ایران، کویت ونیوزیلند در ۱۹۸۲ و عراق و کره جنوبی در ۱۹۸۶ نمایندگان آسیا شده بودند.

بهترین قرعه و بدترین تدارک!

ایران در زیرگروه پنج آسیا با تیم‌های چین، بنگلادش و تایلند همگروه شد. مسابقات رفت و برگشتی بود و با توجه به جایگاه این کشورها همه پیشاپیش صعود ایران را مسجل می‌دانستند اما غافل از اینکه ما در داخل کشور باید رقیب مهمتری را شکست می‌دادیم؛ رقیبی به‌نام ناکارآمدی و نادانی...

سرانجام روز سه‌شنبه دوم اسفند ۱۳۶۷ کاروان ایران با ۱۸ بازیکن و «بدون سرمربی» عازم تایلند شد. هرتیم می‌توانست برای هر بازی لیستی جداگانه داشته باشد، ایران در دور برگشت میزبان بود. همه چیز برای صعود ما چیده شده بود اما خودمان خرابش کردیم.

بدرقه معلم اخلاق با برف!

تیمی که می‌خواست به جام جهانی برود از ابتدای زمستان کنار دریاچه آزادی اردوزد، با روزی یک وعده غذای گرم از پادگان و یک وعده کنسرو!

بازیکنان بزرگ بعد از بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول از تیم ملی رفته بودند و پرویز دهداری از دسته دوم و سوم تهران جوانانی را به تیم ملی آورده بود.

در تنها بازی دوستانه‌ای که برای این تیم تدارک دیده شد، ژاپن به تهران آمد اما پس از تساوی ۲-۲ در آزادی مربی اخلاق را با شعارهای آنچنانی و گلوله‌های برف طوری زدند که رفت و پشت سرش را هم نگاه نکرد...

رایزنی‌های فدراسیون -که اصلاً کسی نمی‌داند چه کسانی این افراد را برای این سمت‌های بزرگ برگزیده و با چه لیاقت و پیشینه‌ای آنجا نشسته بودند- نیز نتیجه نداد و سرانجام رضا وطنخواه دستیار دهداری تورنمنت را شروع کرد با این امید که دهداری برگردد.



دشت مغان

در سفر به شرق ایران تایلند و بنگلادش را برد. بازی برگشت را هم از بنگلادش در آزادی شب عید بردیم و در سال جدید فدراسیون مهدی مناجاتی را به‌جای دهداری به سرمربیگری برگزید.

برخی بازیکنان بزرگ برگشتند؛ فرشاد پیوس، سیروس قایقران، مهدی ابطحی و... تیم جان گرفت و سه گل به تایلند زد تا همه به صعود امیدوار شوند. حالا فقط دو بازی رفت و برگشت با چین مانده بود و یک ماه زمان که همین کار دستمان داد.

برای جبران کم‌کاری‌ها، اردویی در دشت مغان برای تیم ملی ترتیب دادند، بدون هیچ بازی تدارکاتی و تنها با تغییر زمین تمرین که حاصلش حذف پنج بازیکن اصلی همان تیم نیم‌بند بود!

دو روز قبل از اعزام تیم به چین به مناجاتی اعلام شد نادر محمدخانی، سیروس قایقران، جواد زرینچه، مجتبی محرمی و مرتضی فنونی‌زاده اجازه خروج از کشور را ندارند و...

ایران بازی رفت را با دو گل به چین باخت، با جوانانی که برای نخستین بار پیراهن تیم ملی را در این موقعیت حساس به تن کردند.

لعنت بر تفاضل گل

حالا یک بازی برگشت با چین باقی مانده بود. شنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۸ در ورزشگاه آزادی نود هزار نفر به کمک کشورمان آمدند و در اردوی هتل لاله به مهدی مناجاتی گفته شد اشتباهی رخ داده و جواد زرینچه گناهی نداشته پس می‌تواند بازی کند!

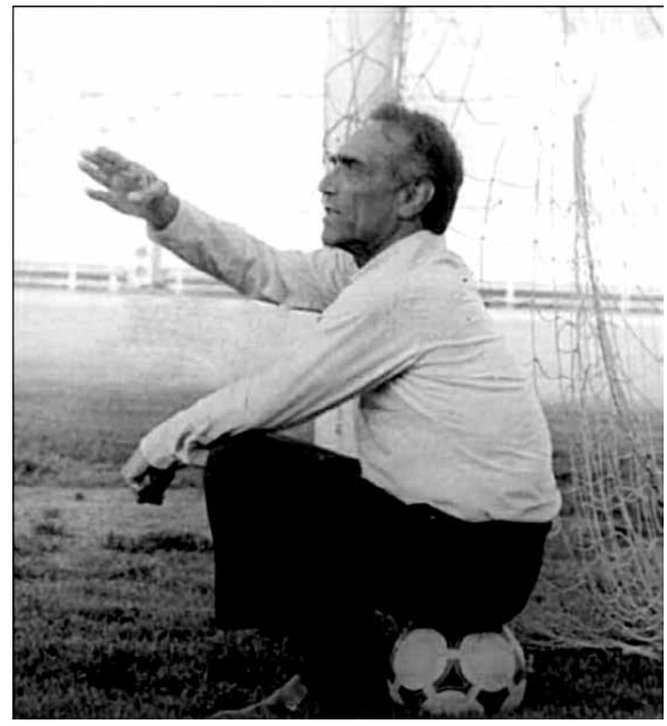
مشکل دفاع راست حل شد، در آن روز رویایی ایران تا دقیقه ۱۵ دو گل بازی رفت را جبران کرده بود و وقتی نیمه دوم فرشاد پیوس گل سوم را زد، ورزشگاه منفجر شد اما...

افسوس که جوانان بی‌تجربه آن روز در ۳۰ دقیقه آخر دو گل خوردند و با تفاضل گل چین از این گروه به مرحله بعد صعود کرد.

صعودی که همه رقبا را خوشحال کرد، چراکه می‌دانستند بزرگترین رقیب حذف شده است. اتفاقی که در دور نهایی افتاد و امارات و کره‌جنوبی برای حتی آب خوردن راهی جام جهانی شدند و ایران به دست خود سر تیم ملی‌اش را بردید...









ستار همدانی
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸



علی اکبر استاداسدی
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸



حمید استیلی
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸